

تبیین قلمرو فقهی عزاداری (به مثابه روش تربیتی)^۱

حسین کارآمد^۲

محمدایوب عارفی^۳

چکیده

این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و به منظور بررسی قلمرو فقهی عزاداری، به مثابه یک روش تربیتی، انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با این‌که اندوه و عزاداری برای معصومین علیهم‌السلام و همچنین متوفی از اهمیت تربیتی و روانی زیادی برخوردار است، در مورد قلمرو و حد و مرز آن از منظر فقه اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر کراهت مطلق یا حرمت بیش از سه روز، و برخی دیگر بر جواز تأکید می‌ورزند. قائلان به جواز نیز در عدم تحدید زمانی و تحدید تا سه روز، متفاوت‌اند. نظر اهل سنت نیز در این مورد مختلف است. باین‌همه، اندوه و عزاداری برای معصومین علیهم‌السلام و همچنین برای شوهر متوفا استثناست. عزاداری برای معصومین علیهم‌السلام

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱/۱۶؛ تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۵/۱۹.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی وابسته به جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم (نویسنده مسئول): (hkaramadbi@gmail.com).

۳. دانشجوی دکترای علوم تربیتی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی وابسته به جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم: (marefiayoub@gmail.com).

همیشه امری مقدس و ارزشمند است؛ زیرا در مراسم عزا و بزرگداشت ایشان، احیای امر اهل بیت علیهم السلام، بیان فضایل و سیره آنان مطرح می‌شود. همچنین عزاداری زن برای شوهر، براساس قرآن و سنت، چهار ماه و ده روز، به عنوان عده وفات، واجب است.

واژگان کلیدی: اندوه، عزاداری، حداد، عزاداری برای امامان معصوم علیهم السلام، و عزاداری برای متوفا.

مقدمه و بیان مسئله

آدمی به طور طبیعی با ازدست دادن نزدیکان و بستگان و هر کسی را که به او علاقه مند است و دوست می‌دارد، ناراحت می‌شود و رخت عزا بر تن می‌کند. چنین حالتی در پیروان و عاشقان امامان معصوم علیهم السلام نیز رخ می‌دهد. دوستداران اهل بیت علیهم السلام در ایام رحلت و شهادتشان اندوهگین می‌شوند و در فراق آن بزرگواران به سوگ می‌نشینند. این موضوع با توجه به جنبه‌های روانی و اجتماعی، از اهمیت زیادی برخوردار است. از آنجاکه آدمی هم مانند دیگر موجودات زنده فناپذیر است و روزی باید از این جهان رخت بربندد و ازسوی دیگر، وی موجودی اجتماعی است و در زندگی با دیگران انس می‌گیرد و در برابر، دیگران نیز با او مانوس می‌شوند، وقتی از دنیا می‌رود، بستگان و نزدیکانش ناراحت و متأثر می‌شوند و به دنبال برپایی مجلس عزا هستند.

این مسئله می‌تواند از مسائل مهم فقه تربیتی به شمار آید. ازسویی، عزاداری جنبه روانی و اجتماعی دارد و با مسائل تربیتی گره می‌خورد و می‌تواند آثار سازنده و مثبت، به‌ویژه در برپایی مراسم سوگواری امامان معصوم علیهم السلام، یا پیامدهای منفی و ناگواری بر جای بگذارد و ازسوی دیگر، حد و مرز زمانی آن از منظر فقه پیش می‌آید. از آنجاکه این موضوع گاهی از حد متعارف آن خارج شده، روزه‌روز بر حواشی آن افزوده می‌شود و زندگی نزدیکان و خویشاوندان متوفا به‌ویژه مجالس شادی‌شان تا مدتی تعطیل یا نیمه‌تعطیل

می‌شود، تحقیق و بررسی آن با نگاه فقهی و تربیتی و با هدف روشن شدن افکار و تغییر و اصلاح رفتار مردم در عصر کنونی، ضروری است. از این رو، پرسش اصلی، این است که قلمرو و گستره فقهی عزاداری تا کجا و چه مدت می‌باشد و ابعاد تربیتی آن کدام است؟

پیشینه پژوهش، نشان می‌دهد با این که موضوع مورد نظر به طور جداگانه و به مثابه روش تربیتی مورد بررسی قرار نگرفته، در لابه لای کتاب‌های فقهی از قدما چون حلبی و شیخ طوسی تا متأخرین و معاصرین مطرح بوده است. در این اواخر، مرحوم سید محمد علی قاضی پس از نقل سخن شیخ در مبسوط راجع به کراهت عزاداری از علما گلایه می‌کند و می‌گوید: «البته عمل به مشهور است و سه روز کراهت ندارد... گرچه در زمان ما مردم در تعزیت و اقامه عزا برای اشخاصی که از دنیا می‌روند، به ویژه اگر از طبقه علما و فقها باشند، از آداب و دستور شرع خارج می‌شوند و روزه روز تشریفات بیجا را زیاده‌تر، و زحمات و تزیینات اوقات را بیشتر می‌کنند» (قاضی طباطبائی، ۱۳۶۸: تعلیقه ۸۲). همچنین حسینی تهرانی (۱۳۹۵: ۷۹) معتقد است که شیعه نباید خودسرانه عمل کند و از پیش خود، حکمی را کم و زیاد کند و تمام چشم و گوش و حواسش باید متوجه مرام و مبانی ائمه خود باشد و به تلقینات و القائات عوام توجه نکند و برای خوش آمدن عوام، از اصول موضوعه خود دست بردارد و رضای خدا را بر مصالح دنیوی و هیاهوهای عالم اعتبار و توهّم و شایعات و رضایت عده‌ای نادان و بی‌خبر از مبانی تشیع ترجیح دهد.

بر این، در این پژوهش که با روش توصیفی و تحلیلی به انجام می‌رسد و اسناد فقهی و منابع روایی توصیف و تحلیل می‌شوند، پس از مفهوم‌شناسی و کاوش در مورد ابعاد تربیتی عزاداری، نخست عزاداری برای معصومین علیهم‌السلام و ابعاد تربیتی آن به بحث گذاشته می‌شود و پس از آن، قلمرو فقهی عزاداری برای متوفا و تسلیت به بستگان وی از حیث کراهت یا حرمت و جواز، مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس از

نقد‌های وارد بر جواز نامحدود عزاداری سخن به میان می‌آید و سرانجام، نتیجه‌گیری از مباحث ارائه می‌گردد.

مفهوم‌شناسی

«عَزَا» در لغت، صبر و شکیبایی کردن بر هر چیزی است که انسان از دست می‌دهد. در عربی وقتی گفته می‌شود «عَزَّيْتُ فَلَانًا» یعنی او را دل‌داری و تسلی دادم و «أَحْسَنَ اللَّهُ عَزَاكَ» یعنی خداوند تو را صبر نیک دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵: ۵۲) و همچنین به «خوب صبر کردن»، «صبر کردن در مصیبت» و «سوگ و مصیبت» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۰: ۱۳۹۸۴).

حداد نیز در لغت به معنای ترک زینت و آرایش است. حداد، لباس ماتم به رنگ سیاه است. زن حاد و محد، زنی است که زینت و استعمال بوی خوش را پس از وفات شوهرش در ایام عده ترک می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳: ۱۴۳). در اصطلاح فقهی نیز حداد عبارت است از ترک زیور و به‌کارگیری بوی خوش و زینت کردن بدن و لباس (زن) در عده وفات (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ۳: ۳۵۱). از نظر فقهی، حداد، دو گونه واجب و جایز است. حداد واجب، یک حکم الزامی راجع به ترک زینت زن شوهرمرده، اعم از زینت پوششی شامل لباس، زیورآلات، به‌کاربردن بوی خوش و آراستن بدن همچون سرمه کردن چشم و رنگ‌آمیزی مو، دست و صورت است. حداد جایز، به بستگان دیگر متوفا به جز زوجه چون پدر، مادر، اجداد، فرزندان، نوه‌ها، برادران و خواهران، عموها و دایی‌ها مرتبط است که البته در مورد استحباب و کراهت آن، اختلاف نظر وجود دارد.

ابعاد تربیتی عزاداری

عزاداری، جنبه روانی و اجتماعی دارد و با مسائل تربیتی گره می‌خورد. ملاحظه قلمرو عزاداری، می‌تواند آثار مثبت و سازنده، و عدم ملاحظه آن، پیامدهای منفی و

ناگوار تربیتی بر جا بگذارد. خوشبختانه، اسلام به این مسئله اهمیت می‌دهد و احساسات و روابط عاطفی را در مورد وفات بستگان نادیده نمی‌گیرد. ازاین‌رو، گریه بر میت و ترحم بر او در سیره و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، جایز و راجح دانسته شده است (ر.ک: طبسی، بی‌تا: ۹ - ۶۴). باوجوداین، اسلام اجازه نمی‌دهد کسی به خودش آسیب بزند یا زندگی خود را نابود کند. ازهمین‌رو، با توصیه به صبر برای عزادار و ارزش دادن به تسلیت‌گویی به صاحبان عزا و محدود کردن عزاداری به مدت مشخص، در صدد مدیریت عزاداری برای اموات است. با برپایی عزاداری و گریه کردن، آلام و عقده‌های روحی بازماندگان از لحاظ روانی تخلیه می‌شود.

ازسوی دیگر، با توجه به آداب و رسوم خاص حاکم بر برخی جوامع، بستگان و بازماندگان متوفا تا مدت طولانی، حالت خاص به خود می‌گیرند و به سبک عزادار و سوگوار رفتار می‌کنند. این مسئله، تا حدودی طبیعی است و آنان این حق را دارند که برای گذشتگان خویش عزاداری کنند. باوجوداین، گاهی در عزاداری زیاده‌روی می‌شود که این‌گونه رفتارها باعث می‌گردد تا مجالس شادی و عقد ازدواج و عروسی یا تفریح در میان آنان، وابستگان و خویشاوندان و همسایگان تا مدتی تعطیل شوند و این، به آزادی و حق زندگی بسیاری از افراد لطمه وارد می‌کند. این در حالی است که اسلام نمی‌خواهد به زندگی کسی لطمه وارد شود. اگر افراد بر اساس قلمرو و چارچوب مشخص شده در فقه رفتار کنند و به آن قناعت نمایند، چنین مشکلات حقوقی پیش نخواهد آمد.

افزون بر این، همان‌گونه که در مفهوم‌شناسی گفته شد، ماهیت و چیستی عزاداری با صبر و شکیبایی آمیخته شده است. این ویژگی، که خود جنبه تربیتی بسیار مهم و اساسی دارد، باعث می‌شود تا فرد در برابر پروردگار هستی‌بخش، سر تعظیم فرو آورد و تقدیرات الهی را بپذیرد و به رهنمودهای فرستادگانش گوش فرا نهد.

آدمی در سایه وحی و هدایت‌های پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ به کمال می‌رسد؛ پس باید در برابر دستورهای دینی سراپا تسلیم باشد و خود سرانه عمل نکند؛ زیرا هیچ خیری در مخالفت با فرمان ایشان نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۲۶۵). در این مورد، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید بیش از سه روز زینت را ترک کند؛ مگر زن بر مرگ شوهرش تا زمان انقضای عده وفاتش» (طوسی، ۱۳۸۷، ۵: ۲۶۵). همچنین امام صادق ﷺ می‌فرماید: «هیچ کسی حق ندارد بیش از سه روز زینت را ترک کند؛ مگر زن بر مرگ شوهرش تا زمان انقضای عده وفاتش» (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳: ۲۷۱ و ۲۲: ۲۳۳).

عزاداری برای معصومین ﷺ و ابعاد تربیتی آن

عزاداری برای معصومین ﷺ، جنبه تعظیم شعائر الهی دارد و مورد توجه و تأکید بسیار فراوان ایشان است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۲۸۲) و از این رو، امری ارزشی و دینی به شمار می‌آید. برپایی این نوع عزاداری در تربیت دینی، به‌ویژه افزایش سطح شناخت شرکت‌کنندگان از معارف دین شامل اصول، فروع و اخلاقیات، افزایش سطح همکاری و همیاری برای اقامه عزا، ترویج محبت اهل بیت ﷺ و ارتباط با آنان اثرگذار است. حتی در برخی روایات آمده است که مصیبت خود را با ذکر مصائب معصومین ﷺ تسلی دهید؛ زیرا مصائب آنان، اعظم المصائب است (حمیری، ۱۴۱۳: ۹۴). از این رو، ما در مراسم ترحیم اموات و گذشتگان، از مصائب آنان، به‌خصوص امام حسین ﷺ یاد می‌کنیم.

برخی روایات، مربوط به مدح و ستایش عزاداری و مجالس عزای همه معصومین ﷺ است. برای نمونه، امام صادق ﷺ می‌فرماید: «کسی که یاد ما کند، یا نزد او یاد ما شود و به اندازه بال مگس اشک بریزد، خداوند تمام گناهان او را

می‌بخشد؛ هرچند بیشتر از کف دریا باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۲۸۲). در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «نفس کشیدن انسان محزون و غم‌دیده به خاطر رسیدن ستم بر ما، ثواب تسبیح را دارد و اندوه او عبادت است» (کلینی، ۱۰۴۷، ۲: ۲۲۶). این دو روایت که از میان ده‌ها روایت گزینش شده‌اند، به وضوح بر ارزش و اهمیت ذکر مصائب و رنج‌های همه معصومین علیهم‌السلام بدون تعیین زمان خاص دلالت دارند.

افزون بر روایات عام، دسته دیگری از روایات، بر عزاداری برای برخی معصومین علیهم‌السلام چون: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فاطمه زهرا علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام تأکید دارند. مصیبت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از بزرگ‌ترین مصائب است. خود حضرت می‌فرماید: «هرکسی به مصیبتی مبتلا شد، مصیبتش را با ذکر مصیبت من تسلی دهد؛ زیرا مصیبت من، بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست» (حمیری، ۱۴۱۳: ۹۴). مهم‌تر از همه عزاداری‌ها، برپایی عزاداری برای سیدالشهدا علیه‌السلام و شهدای کربلاست (رک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۴۴: ۲۷۸ - ۲۹۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۴: ۵۰۰ - ۵۰۹). در مصیبت سیدالشهدا علیه‌السلام انس و جن، فرشتگان، انبیا، عالم طبیعت، طبقات آسمان و زمین، ماهیان دریا، وحوش صحرا و طیور هوا، سوگوار و عزادارند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۱۶؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۲۰۱). امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هرگونه جزع و گریه ناخوشایند است؛ به جز جزع و گریه بر امام حسین علیه‌السلام» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳: ۲۸۲). امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «اگر بر چیزی گریه می‌کنی، بر امام حسین علیه‌السلام گریه کن». امام صادق علیه‌السلام گاهی شاعر و مدیحه‌سرایی را دعوت می‌کرد، مجلس می‌گرفت، پرده می‌انداخت، اهل حرم حضرت پشت پرده قرار می‌گرفتند، به روضه‌خوان می‌فرمود: شعر بخوان. آن‌گاه حضرت با اهل بیتش اشک می‌ریختند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۲۸۳).

با توجه به این روایات، عزاداری و سوگواری برای هیچ‌یک از معصومین علیهم‌السلام به زمان

خاصی محدود نیست. به نظر می‌رسد تنها چیزی که عزاداری آنان را محدود می‌کند، ایام شادی آنان است؛ همچنان‌که از روایات متعدد به دست می‌آید که می‌فرمایند: «شیعیان ما در غم ما محزون، و در شادی ما شادند» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۲: ۶۳۵؛ آمدی، ۱۴۱۰: ۲۳۴). بنابراین، در ایام شادی و سرور معصومین علیهم‌السلام باید شاد بود و از برپایی عزاداری پرهیز کرد. به طور کلی، برپایی عزاداری برای معصومین علیهم‌السلام، به جز در ایام شادی ایشان، آثار تربیتی بسیار مهمی بر جا می‌گذارد. در زیر، چند مورد از مهم‌ترین این آثار تربیتی، که به نوعی در لابه‌لای روایات یادشده مورد اشاره گرفت، بیان می‌شود.

۱. افزایش امید و کاهش اضطراب

پیام تربیتی این گونه روایات، این است که همه ما از پیامدهای خطاها و گناهان خود در بیم و اضطرابیم. بر اساس این روایات، شرکت در مجالس عزای اهل بیت علیهم‌السلام و پرداختن به امور مربوط به اقامه عزای آنان، به ما آرامش می‌دهد و از اضطراب ما می‌کاهد و به ما بخشش خداوند و رحمت او را نوید می‌دهد.

۲. افزایش سطح شناخت دینی شرکت‌کنندگان

از مهم‌ترین نتایج تربیتی عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، افزایش سطح شناخت شرکت‌کنندگان از معارف دین (اصول، فروع و اخلاقیات) است. در این گونه مجالس، اعتقادات، احکام، اخلاقیات و تفسیر قرآن در قالب وعظ و خطابه بیان می‌شود و از این طریق، سطح آگاهی دینی و باورهای افراد تقویت می‌گردد.

۳. ترویج محبت اهل بیت علیهم‌السلام

بر اساس روایات، محبت اهل بیت علیهم‌السلام اساس دین (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۴۶) و ایمان

(مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷: ۱۰۷) است. هدف اصلی شرکت‌کنندگان در عزاداری، شناخت و جلب نظر اهل بیت علیهم‌السلام است. شنیدن فضایل، مناقب، سیره و سخنان معصومین علیهم‌السلام جاذبه دارد و انسان را مجذوب می‌سازد و از این طریق، عشق و علاقه مخاطب به آنها بیشتر می‌شود.

۴. کاهش آلام روحی مصیبت‌دیدگان

از نتایج تربیتی ذکر مصیبت معصومین علیهم‌السلام در مجالس عزاداری، کاهش آلام روحی مصیبت‌دیدگان است. به طو معمول، اگر بر کسی مصیبتی وارد شود و یکی از بستگانش را از دست دهد، در مجالس تحريم او مصیبت یکی از اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام ذکر می‌شود (حمیری، ۱۴۱۳: ۹۴). شنیدن و یادآوری مصائب ایشان، باعث می‌شود تا آلام روحی مصیبت‌دیدگان کاهش پیدا کند و قلبشان آرام بگیرد.

۵. افزایش روحیه و حس همکاری و همیاری اجتماعی

برگزاری مراسم و تشکیل مجلس عزاء، نیازمند همکاری و داشتن حس همیاری است. هر کسی در این نوع مراسم شرکت می‌کند، حس هم‌پذیری و رفتار مسالمت‌آمیزش با دیگران تقویت می‌شود و سطح تحمل و خویش‌نهادی اش افزایش می‌یابد و برای مواجهه با مشکلات احتمالی، آمادگی پیدا می‌کند. این امر، به برکت مجالس عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، اتفاق می‌افتد.

قلمرو فقهی عزاداری

از بُعد فقهی در مورد جواز عزاداری، جواز به صورت نامحدود، جواز در محدوده یک یا دو تا سه روز، استحباب تا سه روز و حرمت یا کراهت در بیش از آن، اختلاف نظر وجود دارد. در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان این دیدگاه‌ها را به دو دسته کراهت

یا حرمت، و جواز تقسیم نمود. در هریک از این دو دسته نیز عده‌ای قائل به تحدید زمانی، و عده‌ای دیگر قائل به عدم تحدید زمانی هستند. قائلان به تحدید زمانی نیز مختلف‌اند؛ بعضی تا سه روز را مستحب، و برخی دیگر تا سه روز را جایز و بیش از آن را حرام یا مکروه می‌دانند. هرچند در میان شیعه، دیدگاه حرمت بیش از سه روز نادر است و مورد توجه نیست.

نکته مهم، این است که عزاداری برای ائمه معصومین علیهم‌السلام و شوهر، از موارد بالا استثنا شده است. همان‌گونه که گفته شد، عزاداری برای معصومین علیهم‌السلام، همیشه امری مقدس و ارزشی است؛ زیرا احیای شعائر دینی و امر اهل بیت علیهم‌السلام، بیان فضایل و سیره آنان است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۴۸). همچنین عزاداری زن برای شوهر و لزوم ترک زینت، بر اساس قرآن و سنت چهارماه و ده روز، به عنوان عده وفات، واجب است.

۱. کراهت یا حرمت

در بین دیدگاه‌های فقهی، برخی بر کراهت، و حتی برخی بر حرمت عزاداری برای متوفی تأکید می‌ورزند. در اینجا این دو دیدگاه بیان می‌گردد.

الف) کراهت

دیدگاه شیخ طوسی، این است که نشستن برای عزاداری متوفا مکروه است. وی به اجماع علما و فقها استناد می‌کند و آن را با دیدگاه خودش منطبق می‌داند. ایشان در کتاب فقهی مبسوط می‌نویسد: «و یکره المجلس للتعزية یومین و ثلاثة إجماعاً (طوسی، ۱۳۸۷، ۱: ۱۸۹)؛ نشستن برای عزاداری دو یا سه روز اجماعاً مکروه است».

برخی بزرگان و صاحب نظران نیز با شیخ طوسی هم‌نظرند و از دیدگاه او دفاع کرده‌اند. برای نمونه، محقق حلی و علامه حلی دیدگاه شیخ را می‌پسندند و به برخی ایرادها پاسخ می‌دهند. محقق حلی، عزاداری را منافی توصیه به صبر و رضا به قضای

الهی می‌داند. وی معتقد است اجتماع و زیارت یکدیگر باقطع نظر از امر دیگر مستحب است؛ ولی وقتی اجتماع برای عزاداری شمرده شود و به مشروعیت آن اذعان گردد، نیازمند دلیل است. شیخ طوسی برکراحت جلوس، به اجماع استدلال کرده است؛ زیرا از هیچ‌یک از صحابه و امامان علیهم‌السلام نشستن برای عزاداری نقل نشده است. پس جلوس، مخالفت سنت سلف شمرده می‌شود؛ ولی نه در حدی که حرام باشد (محقق حلی، ۱۴۰۷، ۱: ۳۴۴).

در برابر، صاحب جوهر دیدگاه شیخ طوسی و موافقان او را رد می‌کند و معتقد است هیچ کسی از صاحب نظران پیشین را نمی‌شناسم که بر کراحت تصریح کرده باشند و در هیچ روایتی به کراحت اشاره نشده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۴: ۳۲۹). سپس وی به اشکال منافات عزاداری با راضی بودن به قضای الهی و صبر و امثال اینها اشاره می‌کند و آن را منافای قضای الهی نمی‌داند. همچنین وی، اجماع شیخ طوسی را رد می‌کند و در این زمینه به مخالفت ابن‌ادریس اشاره می‌کند. صاحب جوهر حتی به موافقان شیخ طوسی حمله می‌کند و به استدلال آنان پاسخ می‌دهد (همان: ۳۲۷ - ۳۳۰).

ب) حرمت

به نظر می‌رسد یحیی بن سعید حلی، عزاداری بیش از سه روز را نفی می‌کند و می‌گوید:

و لا بأس ان یحتد الإنسان علی حمیمه ثلاثة أيام لا أكثر منها و لیس علی غیر المتوفی عنها بعلمها حداد.

جایز است انسان در مرگ فامیلش، سه روز ترک زینت کند نه بیشتر از آن. بر غیر زن شوهرمرده نیز حداد لازم نیست.

چنان‌که کاشف‌اللثام به آن اشاره کرده است، این بیان با توجه به نفی قاطع بیش از سه روز حرمت را می‌رساند که چنین دیدگاهی در بین فقهای شیعه، منحصر به فرد

است. به همین دلیل، شهید ثانی در شرح لمعه روایت نبوی را که یحیی بن سعید حلی به آن استاد می‌کند، به کراهت شدید حمل می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۶: ۶۴). افزون بر این، در میان اهل سنت نیز کسانی هستند که عزاداری برای میت را روا نمی‌دانند. به همین دلیل، ابن‌ادریس نظر و ادعای اجماع شیخ طوسی را مبنی بر کراهت نشستن برای عزا به شدت رد کرده، می‌گوید «إِنَّمَا هَذَا مِنْ فُرُوعِ الْمُخَالَفِينَ وَتَخْرِجَاتِهِمْ؛ این سخن شیخ، برگرفته از احکام مخالفین ماست» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۱: ۱۷۳). شهید ثانی می‌گوید که بعضی عامه بیش از سه روز را با صراحت حرام می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۹: ۲۸). برخی دیگر نیز حرمت بیش از سه روز را به فقهای اهل سنت نسبت داده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸، ۹: ۷۲۰۴).

می‌توان گفت اهل سنت، بیشتر قائل به تحدید عزاداری به مدت سه روز هستند. آن‌گونه که شهید ثانی (۱۴۱۳، ۹: ۲۸)، سبزواری در کفایة الاحکام (۲: ۳۶۰) و فاضل هندی در کشف اللثام (فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶، ۸: ۱۲۴) می‌گویند، بعضی عامه بیش از سه روز عزاداری را برای غیر شوهر حرام می‌دانند. محی‌الدین نووی می‌گوید:

فرع يجوز لها الاحداد على غير الزوج ثلاثة أيام فما دونها، صرح به المتولي والغزالي في البسيط للحديث الصحيح الذي ذكرناه (النووي، ۶: ۳۸۵).

به دلیل حدیث صحیح، برای زن جایز است که برای (میتی) غیر از شوهرش، سه روز و کمتر از آن زینتش را ترک کند. متولی و غزالی در بسط به حکم تصریح کرده‌اند.

منظور ایشان از حدیث صحیح، حدیث نبوی است که در صفحه ۳۸۲ این کتاب ذکر کرده است؛ زیرا غیر از آن حدیثی در این باره نیست. به طور کلی، فقهای اهل سنت به احادیث مختلفی استناد کردند که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. ابن حجر عسقلانی به صورت مسند از ام حبیبه همسر پیامبر ﷺ دخت

ابوسفیان چنین نقل می‌کند: «عن ام حبیبه ابنة ابی سفیان لما جاءها نعی ابیها دعت بطیب فمسحت ذراعیهما وقالت مالی بالطیب من حاجة لولا انی سمعت النبی ﷺ قال لا یحل لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر تحدد علی میت فوق ثلاث الا علی زوج اربعة اشهر وعشرا» (عسقلانی، بی تا، ۹: ۴۳۳).

۲. «عن ام عطیّه قالت: کنا ننهی ان نُحدّد علی میت فوق ثلاث الا علی زوج اربعة اشهر وعشراً» (عسقلانی، بی تا، ۹: ۴۳۲)؛ ام عطیه می‌گویند ما نهی شده بودیم که بر میتی بیش از سه روز ترک زینت کنیم؛ مگر بر مرگ شوهر به مدت چهار ماه و ده روز.

۳. «قالت زینب بنت ابی سلمه ثم دخلت علی زینب بنت جحش حین تُؤفّی اخوها فدعت بطیب فمسّت منه، ثم قالت: والله مالی بالطیب من حاجة غیر انی سمعت رسول الله ﷺ یقول علی المنبر «لا یحل لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر تُحدّد علی میت فوق ثلاث الا علی زوج اربعة اشهر وعشرا» (بخاری، بی تا، ۲: ۱۱۲۴، ح ۱۴۸۷؛ اصبحی، ۱۴۲۶، ۲: ۱۶)؛ زینب راوی حدیث می‌گوید: وقتی برادر زینب بنت جحش وفات نمود، برای تسلیت به منزل زینب رفتم. دیدم صدا زد: برایم عطر بیاورید! سپس خود را از آن عطر معطر ساخت و گفت: من احتیاجی به استعمال عطر و بوی خوش فعلاً ندارم و فقط از آن رو الآن عطر زدم، زیرا از رسول خدا ﷺ شنیدم که بر فراز منبر فرمود: جایز نیست زنی که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد، برای شخص متوفّا بیش از سه روز عزاداری کند؛ مگر برای شوهر که مدّت آن چهار ماه و ده روز است».

۴. از عایشه، زوجه رسول خدا ﷺ، نقل شده است که حضرت فرمودند: «لا یحلّ لمؤمنة تحدّد علی میت فوق ثلاثة ايام الا علی زوج؛ جائز نیست برای زن مؤمنه که بیش از سه روز در عزای مرده‌ای ترک زینت کند، مگر در وفات شوهر» (اصبحی، ۱۴۲۶، ۲: ۱۴).

۵. در کتاب /ارشاد الساری لشرح الصحیح البخاری چنین آمده است: «باب حدّ المرأة علی غیر زوجها: قال: حدّثنا مسدد، حدّثنا بشر بن المفضل، حدّثنا سلمه بن

علقمه عن محمد بن سيرين قال: تُؤْفَى ابْنُ لَإِمٍّ عَطِيَّةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ الثَّالِثُ دَعَتْ بِصُفْرَةٍ فَتَمَسَّحَتْ بِهِ وَ قَالَتْ: مُهَيِّنَا أَنْ نَحُدَّ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثٍ إِلَّا بِزَوْجٍ؛ أُمُّ عَطِيَّةَ (نسيبه) فرزند پسری داشت که فوت نمود. آن گاه که روز سوم سپری گشت، مادرِ طفل مادّه‌ای را که برای تزیین و رنگ دستان به کار می‌بردند، آورد و با آن دست‌های خود را تزیین کرد و گفت: از جانب رسول خدا ﷺ دستور داده شده است که بیش از سه روز در عزا نباشیم مگر برای شوهر» (ر.ک: حسینی تهرانی، ۱۳۹۵: ۸۷).

۲. جواز

بین دیدگاه‌های فقهی جواز عزاداری، برخی عزاداری را در محدوده زمانی مشخص، و برخی به صورت نامحدود جایز می‌دانند. در اینجا این دو دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) جواز محدود به زمان مشخص

میان فقها، دیدگاه جواز سه روز عزاداری برای متوفا طرفداران فراوان و ادله زیاد و نسبتاً محکمی دارد. حلبی، سه روز عزاداری را مستحب می‌داند و می‌گوید: «و من السنة تعزية أهله ثلاثة أيام، و حمل الطعام إليهم لشغلهم بمصائبهم عن اصطناعه؛ تعزيت اهل ميت و بستگان او به مدت سه روز و طعام دادن به آنان سنت است؛ زیرا آنان به جای پختن غذا، گرفتار مصیبت هستند» (حلبی، ۱۴۳۴: ۲۴۰). مرحوم فیض کاشانی در مفاتیح الشرایع و النخبه عزاداری بیش از سه روز را مکروه می‌داند و می‌گوید: «بیش از سه روز نشستن برای تعزیه، مکروه است؛ مگر زن برای شوهرش که عزادار بماند تا این که عده وفاتش سپری شود. حلبی سه روز را به دلیل روایت ماتم، سنت و مستحب می‌داند؛ برخلاف شیخ طوسی که ایشان مطلقاً مکروه می‌داند» (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ۲: ۱۷۵). ایشان به همین عبارت، مطلب را در کتاب فقهی

دیگرش بیان می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲۸۳). شهید ثانی در شرح لمعه پس از نقل روایت نبوی (لایحِل لامرأة...) می‌فرماید:

و لا حداد علی غیر الزوج مطلقاً، و فی الحدیث دلالة علیہ، بل مقتضاه أنه محرم و الأولى حملة علی المبالغة فی النفي و الکراهة. ترک زینت بر غیر زوج، مطلقاً وجود ندارد و در حدیث نیز بر این مطلب اشاره شده است؛ بلکه مقتضای حدیث، این ست که حداد حرام است، ولیکن بهتر این است که بگوییم حرمت از روایت استفاده نمی‌شود؛ بلکه کراهت شدید مقصود است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۶: ۶۵).
فاضل اصفهانی معروف به کاشف اللثام (فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶، ۸: ۱۲۴)، سبزواری (سبزواری، ۱۴۲۳، ۲: ۳۶۰)، علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۹: ۷۱-۷۲) و کاشف الغطا (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۴۸) از دیگر فقهای برجسته‌ای هستند که همین دیدگاه را دارند.

صاحب جواهر، سه روز ماتم زنان را برای میت سزاوار می‌داند و می‌گوید:
ماتم گرفتن زنان برای میت تا سه روز از روز فوت، سزاوار است؛ چنان‌که برای برادران (مؤمن) او طعام دادن سزاوار است و نشستن برای تعزیه کراهت ندارد؛ بلکه به دلیل عارضی گاهی واجب می‌شود؛ چنان‌که در این زمان در بلاد ما مرسوم است (نجفی، ۱۳۱۸، ۳۲: ۳۹).

دیدگاه صاحب جواهر در دو بخش تعزیت و تسلیت گفتن دیگران به مصیبت دیدگان و نشستن و عزا گرفتن صاحبان مصیبت قابل تبیین است. ایشان در بخش نخست، به پیروی از شهید اول، قائل به عدم کراهت و عدم محدودیت زمانی است و دلالت روایات را در این زمینه منتفی می‌داند: «ثم إنه لاحد لها شرعاً لإطلاق الأدلة؛ برای تعزیت و تسلیت به دلیل اطلاق ادله حدی نیست» (نجفی، ۱۴۰۴، ۴: ۳۲۸). ایشان راجع به بخش دوم یعنی نشستن صاحبان مصیبت و اجتماع برای عزاداری نیز قائل به عدم کراهت است؛ از این رو می‌گوید:

بلی؛ گاهی ذکر ماتم در روایت ماتم به مدت سه روز و این که امام باقر علیه السلام برای ماتمش در منا وصیت کرد و این عمل سنت می باشد و این که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود به خانواده جعفر غذا بدهید، به عدم کراهت نشستن و اجتماع برای عزاداری اشعار دارد (همان).

شاید از این بیان، بتوان نظر صاحب جوهر را در رابطه با عدم کراهت جلوس محدود به سه روز دانست؛ زیرا پس از استدلال به عدم محدودیت زمانی برای تسلیت با جمله «نعم قد يشعر...»، نظرش را درباره جلوس استدراک می کند و به روایات ماتم، اطعام و اطلاق امر به تعزی و ملاقات، تمسک می کند. روشن است که روایات ماتم و اطعام، فقط در سه روز صراحت دارند، نه بیشتر از آن. بنابراین، صاحب جوهر تسلیت گفتن را محدود به زمان نمی داند؛ ولی از بیان ایشان در رابطه با نشستن صاحبان مصیبت و اجتماع برای عزاداری، محدودیت سه روز استفاده می شود.

از فقهای معاصر، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در *وسيلة النجاة* فتوای کراهت بیش از سه روز را دارد؛ ولی به عنوان اولویت، ترک جلوس در بیش از سه روز را بیان کرده است. امام خمینی رحمته الله در *تحریر الوسيلة* و همچنین آقای سیدرضا گلپایگانی در این قسمت حاشیه ندارند و دیدگاه آقای اصفهانی را تأیید می کنند. «نشستن بستگان میت (مجلس گرفتن آنان) برای آن که دیگران به آنها تسلیت بگویند، جایز است و بنا بر اقوا این کار مکروه نیست، ولی بهتر آن است که از سه روز بیشتر نشود» (موسوی اصفهانی، با حاشیه گلپایگانی، ۱۳۹۳، ۱: ۷۸؛ خمینی، ۱: ۹۶). شهید مطهری نیز معتقد است که در اسلام، عزاداری برای افراد عادی، محدود به سه روز است و پس از آن باید خاتمه پیدا کند (مطهری، ۲۵: ۳۶۹).

ب) جواز نامحدود

جمعی از فقها از جمله ابن ادریس، شهید اول و نراقی، زمان محدودی را برای

عزاداری در نظر نمی‌گیرند. شهید اول می‌گوید: «به دلیل عمومیت ادله، برای زمان تعزیه حدی نیست» (شهید اول، ۱۴۱۹، ۲: ۴۴). با وجود این، به نظر می‌رسد که سخن شهید اول در مورد جلوس برای عزاداری نیست؛ بلکه تسلیت گفتن به صاحبان مصیبت است. افزون بر این، ایشان تسلیت را هم محدود به سه روز ممکن می‌داند (همان). ابن‌ادریس، تحدید را از استنباطات مخالفین می‌داند (حلی، ۱۴۱۰، ۱: ۱۷۳). مرحوم نراقی، نظر شیخ و طرف‌داران دیدگاه تحدید را به شدت رد می‌کند و می‌گوید که هیچ دلیلی بر کلام شیخ طوسی نیست و اجماع او با کلام ابن‌ادریس حلی، معارض است (نراقی، ۱۴۱۵، ۳: ۳۱۴).

نقد دیدگاه جواز نامحدود

برخی محققان، سخن نراقی و معتقدین به جواز عزاداری بدون محدودیت زمانی را با دلایل متعدد رد و نقد کرده‌اند. چنان‌که خود ایشان اشاره کردند، حمل غذا برای صاحبان عزا و ترک زینت و تشکیل مجلس ختم و ترحیم به مدت سه روز، بهترین و روشن‌ترین دلیل است بر این‌که شارع مقدس بر سه روز نظر داشته است و نه بیشتر؛ در غیر این صورت می‌فرمود تا هر وقت مجالس عزا برقرار باشد، مستحب است برای صاحبان عزا غذا برده شود یا این‌که ترک زینت کنند؛ زیرا این مسئله، کاملاً روشن است که هیچ‌گاه صاحب عزا با وجود تشکیل مجلس ترحیم و ارائه موقعیت مصیبت، خود را تزئین نمی‌کند و برخلاف حال و هوای مصیبت، خود را در نمی‌آورد؛ مگر این‌که بخواهد از حیطة عرف و عادت جامعه خارج شود و راهی جز راه و سنتی سوای سنت عقلانی در پیش گیرد. پس این‌که شارع می‌فرماید جایز نیست برای زن که بیش از سه روز ترک زینت کند، قطعاً به دلالت التزام عرفی در مقام تحدید و تعیین مدت عزا و مصیبت است.

همچنین این که ایشان می‌فرماید که از روایت جواز اجتماع و شرکت برای عزا در این مدّت سه روز استفاده می‌شود، محل نظر و اشکال است؛ زیرا جواز اجتماع و شرکت در مجلس برای ترحیم و طلب مغفرت و تسلیت به بازماندگان، خود فی حدّ نفسه امری ممدوح و پسندیده است و جوازش نیازی به دلیل خاصّ شرعی ندارد. به حکم عقل و عموم نقل: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف، آیه ۱۹۹) و همچنین مطلوبیت نفس ترحیم و تسلیت، مجالی برای شک در جواز انعقاد این گونه از مجالس باقی نمی‌گذارد و حکم شارع به جواز لغو و عبث خواهد بود. بنابراین، اخراج حکم و کلام شارع از لغویت و عبثیت، مقتضی آن است که بگوییم قطعاً شارع در جهت تحدید و تعیین مدّت عزا و مصیبت، حکم را بیان نموده است و اگر بیش از این مدت نیز مطلوب شارع می‌بود، این تحدید معنایی نداشت و می‌فرمود هر که می‌خواهد تا هر مدّتی که برای او میسر است، این مجالس را ادامه دهد و هر چه بیشتر، بهتر (حسینی، ۱۳۹۵: ۸۹-۹۱).

افزون بر این، حدیث معروف نبوی در مورد تحدید زمان عزاداری وجود دارد. قال النبی صلی الله علیه و آله لا یحل لامرأة تؤمن بالله و الیوم الآخر أن تحد علی میت فوق ثلاث لیال إلا علی زوج أربعة أشهر و عشرًا. برای زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، جایز نیست بر میتی بیش از سه روز ترک زینت کند؛ مگر برای شوهرش در حد چهارماه و ده روز.

این روایت، مشهور است و در منابع شیعه و سنی آمده است و بسیاری از فقها به آن استدلال کرده‌اند. در صحیح بخاری (بخاری، بی تا، ۲: ۱۱۲۴)، فتح الباری ابن حجر، ارشاد الساری، مغنی ابن قدامه (ابن قدامه، بی تا، ۹: ۱۶۶)، المدوّنة الکبری مالک بن انس (اصبحی، ۱۴۲۶: ۲: ۱۶) از عایشه و حفصه، و خلاف (طوسی، ۱۴۰۷، ۵: ۷۲)، المبسوط (طوسی، ۱۳۸۷، ۵: ۲۶۵)، شرح لمعه (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ۶: ۶۴)،

کنز العرفان فی فقه القرآن (۲: ۲۶۴)، عوالی اللئالی العزیزیه (احسائی، ۱۴۰۵، ۱: ۱۰۷) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (نوری، ۱۴۰۸، ۲: ۴۴۸) و در بسیاری از کتب فقهی به عنوان حدیث نبوی ذکر شده است. در نظام الطلاق (سبحانی، ۱۴۱۴: ۲۹۸) از قول امیرالمؤمنین (علیه السلام) و در کتاب دعائم الاسلام (مغربی، ۱۳۸۵، ۲: ۲۹۲) از قول امام صادق (علیه السلام) نقل شده است.

این حدیث، هرچند از نظر سند مرسل است، با توجه به تکرار این مضمون در دیگر روایات، صدور روایت مسلم و قطعی است. صاحب جواهر در پاسخ اشکال سندی می‌فرماید: «أن مضمونه مقطوع به فی نصوصنا؛ مضمون این خبر در روایات و نصوص ما قطعی است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲: ۲۸۲). فخرالمحققین حدیث را متفق علیه می‌داند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ۳: ۳۵۱). حسین تهرانی در کتاب سؤالات ما در بخش ۲۸ کتابش ادعای تواتر در سند روایتی را دارد و می‌گوید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مدت عزاداری برای میت را سه روز به استثنایی عزاداری زن برای شوهرش تعیین کرده است (تهرانی، ۱۳۹۰: ۷۳۳). شهید ثانی بعد از نقل این روایت، می‌فرماید:

ترک زینت بر غیر زوج، مطلقاً وجود ندارد و در حدیث نیز بر این مطلب اشاره شده است؛ بلکه مقتضای حدیث، این است که حِداد حرام است؛ ولیکن بهتر این است که بگوییم حرمت از روایت استفاده نمی‌شود؛ بلکه بهتر است حمل بر مبالغه در نفی حداد و کراهت شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۶: ۶۴).

در حدیثی دیگر، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لیس لأحد أن یحد أكثر من ثلاثة أيام إلا المرأة علی زوجها حتی تنقضي عدتها» (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳: ۲۷۱)؛ هیچ‌کسی حق ندارد بیش از سه روز زینت را ترک کند، مگر زن بر مرگ شوهرش تا زمان انقضای عده وفاتش». همین روایت به صورت مسند، ولی مضمراً از محمد بن مسلم نیز نقل شده است (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۲: ۲۳۳). علامه مجلسی این حدیث را مانند

حدیث صحیح، موثق و معتبر می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۶، ۱۳: ۳۱۰). مرحوم شیخ حر عاملی این روایت را در باب جداگانه (باب ۸۲ از ابواب دفن) آورده و عنوان باب را «باب حَدِّ الحَدَادِ علی المیت» قرار داده است. این عنوان، بیان‌گر نظر خود ایشان است. بنابراین، ایشان نیز قائل به تحدید به مدت سه روز است. در این روایت، کلمه «احد» به کار رفته و از نظر مفهوم، اعم از «امرأة» در کلام پیامبر ﷺ است؛ هرچند از کلام پیامبر ﷺ نیز عموم استفاده می‌شود؛ لکن صراحت ندارد، شاید!

می‌توان گفت که قائلان به عدم تحدید، ناگزیر از تحدیدند؛ زیرا درست نیست تمام زندگی به عزاداری بگذرد و خودشان نیز چنین چیزی را قطعاً نمی‌پذیرند. از آنان پرسش خواهد شد که اهل میت تا چه زمان عزادار بمانند؟ سه روز یا ده روز یا چهل روز یا یک سال یا بیشتر؟ اگر عرف ملاک است، کدام عرف؟ عرف بلد؟ قوم و قبیله؟ ممکن است عرف دچار افراط شود؛ چنان‌که در بعضی موارد بهانه‌گیری می‌شود که ما عزاداریم، قوم و فامیل نباید عقد و عروسی و مجالس شادی داشته باشند. از سوی دیگر، ممکن است به روایات کراهت شادی و شماتت در حضور مصیبت‌دیده تمسک شود.^۱ بنابراین، ناگزیر باید قائل به تحدید شوند تا حد و مرز عزاداری معلوم باشد. در این میان، بهترین تحدیدکننده، قرآن کریم،^۲ سیره و سنت پیامبر ﷺ است که نشان می‌دهد مدت عزاداری در اسلام، سه روز است نه بیشتر.

۱. روایاتی داریم که رفتار شاد و حاکی از شماتت نزد مصیبت‌دیده را خلاف ادب می‌دانند (رک: کلینی،

۱۴۰۷، ۲: ۳۵۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۲۷). اگر حد و مرز زمانی مصیبت مشخص نباشد، جای این سؤال

باقی است که تا چه وقت مصیبت‌دیده شمرده می‌شود؟ دلالت این روایات تا چه حد است؟

۲. در قرآن کریم، بر تحدید عزاداری غیر زوجه بیانی نیامده؛ فقط در خصوص عده وفات زوجه متوفا، زمان

حداد چهار ماه و ده روز تعیین شده است: «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ

وَعَشْرًا» (بقره، آیه ۲۳۴).

نتیجه‌گیری

عزاداری از مسائل مهم فقه تربیتی به شمار می‌آید. از سویی، عزاداری جنبه روانی و اجتماعی دارد و با مسائل تربیتی گره می‌خورد و می‌تواند آثار تربیتی سازنده و مثبت، به‌ویژه در برپایی مراسم سوگواری امامان معصوم علیهم‌السلام بر جا بگذارد و ازسوی دیگر، نادیده انگاشتن قلمرو فقهی عزاداری، می‌تواند پیامدهای تربیتی منفی و ناگواری برای بازماندگان و بستگان متوفا و دیگر افراد داشته باشد. بررسی مجموع روایات شیعه و اهل سنت و دیدگاه اندیشمندان مسلمان، نشان می‌دهد که قلمرو زمانی عزاداری برای متوفا، غیر از زوج، سه شبانه‌روز است. نظر بیشتر علمای فریقین بر جواز به معنای رجحان عزاداری، محدود به مدت سه روز است؛ هرچند دیدگاه‌های دیگری در خصوص کراهت و یا جواز به صورت نامحدود و همچنین عدم جواز بیش از سه روز وجود دارد. دیدگاه اهل سنت، بیشتر بر عدم جواز بیش از سه روز متمرکز است. بنابر دیدگاه برگزیده، که همان نظر اکثریت است، عزاداری برای متوفا از سوی بستگانش، در محدوده شرع و عقل، با توجه به ضرورت تسکین آلام روحی ناشی از حس عاطفی اقارب میت نسبت به او، کاملاً معقول و بلا اشکال و امری پسندیده است. بااین‌همه، باید توجه داشت که سوگواری نباید از سنت و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام خارج شود و همچنین به تعطیلی امور زندگی بستگان میت به مدت طولانی بینجامد. ادله در خصوص عزاداری برای معصومین علیهم‌السلام، به‌ویژه عزاداری برای سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام و یارانش، در ایام شهادت و اربعین، رجحان و فضیلت آن را در ایام سوگواری آنان نشان می‌دهند و از ادله محدودکننده عزاداری مستثنا هستند. تنها محدودکننده عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، ایام شادی و سرور آنان است که باید رعایت شود. افزایش امید و کاهش اضطراب، افزایش سطح شناخت دینی، ترویج محبت اهل بیت علیهم‌السلام، کاهش آلام روحی مصیبت‌دیده و افزایش روحیه و حس همکاری و همیاری اجتماعی، از نتایج مهم تربیتی برپایی عزاداری و سوگواری برای معصومین علیهم‌السلام هستند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی (للصدوق)*، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابیطالب*، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن قدامه، عبدالله، *المغنی*، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، بی نا، سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، *عوالی اللئالی العزیزیه*، قم، دار سید الشهداء للنشر، اول، ۱۴۰۵ ق.
۶. اصبحی، مالک بن انس، *المدوّنة الكبرى*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.
۷. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، *کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۶ ق.
۸. اصفهانی، سید ابوالحسن، *وسيلة النجاة (مع حواشی الکلیپایگانی)*، قم، چاپخانه مهر، اول، ۱۳۹۳ ق.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. تبریزی، جعفر سبحانی، *نظام الطلاق فی الشریعة الاسلامیة الغراء*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. تهرانی، حسین، *سؤالات ما*، قم، نشر حاذق، سیزدهم، ۱۳۹۰.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول.
۱۳. حسینی تهرانی، *رساله اربعین در فرهنگ شیعه*، تهران، نشر مکتب وحی، دوم، ۱۳۹۵ ش.
۱۴. حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اول، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۰ ق.

۱۶. حلی، فخرالمحققین، محمد بن حسن، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، اول، ۱۳۸۷ق.
۱۷. حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم، انتشارات مرتضوی، اول، ۱۴۲۵ق.
۱۸. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، اول، ۱۴۰۷ق.
۱۹. حلی، یحیی بن سعید، *الجامع للشرائع*، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمية، اول، ۱۴۰۵ق.
۲۰. خمینی روح الله، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، اول، بی تا.
۲۱. خمینی، سید روح الله موسوی، *تحریر الوسیله*، مترجم: اسلامی، علی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بیست و یکم، ۱۴۲۵ق.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۳ش.
۲۳. زحیلی، وهبه مصطفی، *الفقه الاسلامی وأدلته*، دمشق، بی نا، ۱۴۱۸ق.
۲۴. سبزواری، محقق، محمدباقر بن محمد مؤمن، *کفایة الأحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۲۳ق.
۲۵. شیرازی، سید صادق، *العروة الوثقی مع حاشیة السید صادق شیرازی*، قم، دارالانصار، بی تا.
۲۶. طبسی، محمد جواد، *البکاء علی المیت*، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۷. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۷ق.
۲۸. _____، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، سوم، ۱۳۸۷ق.
۲۹. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، *ذکری الشيعة فی أحكام الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۹ق.

۳۰. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلانتر)*، قم، کتابفروشی داورى، اول، ۱۴۱۰ق.
۳۱. -----، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، اول، ۱۴۱۳ق.
۳۲. عسقلانی، احمد بن حجر، *فتح الباری بشرح صحيح البخاری*، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، بی تا.
۳۳. غزالی اصفهانی، علی، *دانستنی های فاطمی*، قم، عطر عترت، نسخه دیجیتالی، ۱۳۸۸.
۳۴. فیض کاشانی، محمد، *المحجة البيضاء*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چهارم، ۱۴۱۷ق.
۳۵. _____، *مفاتیح الشرائع*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، اول، ۱۴۰۱ق.
۳۶. _____، *النخبة*، تحقیق انصاری قمی، تهران، مرکز الطباعة والنشر، دوم، ۱۴۱۸ق.
۳۷. قاضی طباطبای، سید محمد علی، *تحقیق درباره اول اربعین سید الشهداء (علیه السلام)*، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیه الله قاضی طباطبائی، سوم، ۱۳۶۸ش.
۳۸. قمی، شیخ عباس، *منتهی الآمال*، تهران، نشر کتابچی، دوم، ۱۳۷۱ش.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفا، ۱۴۰۴ق.
۴۰. _____، *ملاذ الاخيار*، قم، نشر کتابخانه مرعشی نجفی، اول، ۱۴۰۶ق.
۴۱. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، *ملحقات احقاق الحق*، قم، مكتبة آية الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۹ق.
۴۲. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۲۵، تهران، صدرا، بی تا.
۴۳. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، *دعائم الإسلام*، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، دوم، ۱۳۸۵ق.
۴۴. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، هفتم، ۱۴۰۴ق.
۴۵. _____، *نجاة العباد (المحشى) بی جا، بی نا*، اول، ۱۳۱۸ق.

۴۶. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، *أنوار الفقاهة - كتاب الطلاق (لكاشف الغطاء، حسن)*، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء، اول، ۱۴۲۲ق.
۴۷. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، *مستند الشيعة فی أحكام الشريعة*، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۱۵ق.
۴۸. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
۴۹. نووی، محی الدین، *روضة الطالبین*، فقه شافعی، الشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الشیخ علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.
۵۰. یزدی طباطبائی، سید محمد کاظم، *العروة الوثقی المحشی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۹ق.
۵۱. _____، *تکملة العروة الوثقی*، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۴۱۴ق.
۵۲. وبسایت ویکی شیعه.